

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ فَعْلٌ يَعَادِلُ الْمُضَارِعَ الْإِلْتِزَامِيَّ فِي الْفَارْسِيَّةِ:

(١) «أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكْرَهْتُمُوهُ»

(٢) كَانَ بَيْنَ الطَّلَاقِ طَالِبٍ مَشَاغِبٍ يَضُرُّ زَمَلَاءَ بِسَلْوِكَه!

(٣) إِنْ ظَنَنْتَ أَنَّكَ أَفْضَلُ مِنَ الْآخِرِينَ فَأَنْتَ مَخْطِي شَدِيدًا!

(٤) مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عَيْوَبِي فَهُوَ خَيْرٌ إِخْوَانِي!

گزینه ٢ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

گزینه (١): فعل مضارع بعد از «أن» به صورت التزامی ترجمه می‌شود: «أن يأكل»: که بخورد

گزینه (٢): ترکیب «كان + مضارع» معادل ماضی استمراری است: «كان يضر»: زیان می‌رساند

گزینه (٣ و ٤): فعل‌های ماضی بعد از ادوات شرط به صورت مضارع ترجمه می‌شوند. هم‌چنین فعل‌های شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. در گزینه‌های ٣ و ٤، به ترتیب «ظننت: گمان کنی» و «أهدى: هدیه کند» فعل شرط

عیّن الصّحیح:

(۱) إن تصبروا تتغلبوا على الأعداء فقاتلوهم بشدة! (جواب الشرط)

(۲) أحمدُ الله لأنّ أنعمه عليّ منهمرة! (اسم التفضيل)

(۳) سيسافر أخى لمواصلة دراسته إلى خارج البلاد! (اسم المكان)

(۴) أعظم العبادة أجراً أخفاها! (اسم التفضيل)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «أخفى» بر وزن «أفعل» و اسم تفضیل است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «تتغلبوا» جواب شرط است.

گزینه (۲): «أحمد» در این جا فعل مضارع است به معنای «ستایش می‌کنم».

گزینه (۳): «خارج» بر وزن فاعل و اسم فاعل است.

عَيْنَ مَنْ يَدُلُّ عَلَى الشَّرْطِ:

(۱) مَنْ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَسْتَغْفِرُونَ رَبَّهُمْ لَيْلًا وَ نَهَارًا!

(۲) أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَيَعْلَمُهُ!

(۳) مَنْ عَلَّمَنِي وَ لَوْ حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدَهُ!

(۴) مَنْ إِلَهُ غَيْرَ اللَّهِ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ أَنْعَمَهُ الْمُنْهَمْرَةَ!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بعد از «من» شرطیه فعل شرط و جواب شرط می آید. در این گونه سوالات علاوه بر قواعد، به ترجمه هم باید دقت کنیم.

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): برخی از مؤمنان شب و روز از پروردگارش طلب آمرزش می کنند.

ترکیب «مِنْ» (حرف جرّ) و «مَنْ» (موصول) در عربی به معنای «برخی از» است. علاوه بر معنا «مِنْ» از لحاظ قواعد هم نمی تواند شرطیه باشد، چون پس از آن فعل شرط و جواب شرط نداریم.

گزینه (۲): بهترین مردم کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد.

«مِنْ» شرطیه غالباً ابتدای جمله می آید. با توجه به معنا هم می توانیم بفهمیم که «مِنْ» در این گزینه موصول است نه شرطی.

گزینه (۳): هر کسی هرچند یک حرف به من بیاموزد، من را بنده خویش ساخته است.

«مِنْ» ابتدای عبارت آمده و بعد از آن فعل شرط «عَلَّمَ» و جواب شرط «صَيَّرَ» آمده است.

گزینه (۴): «چه کسی جز خداوند نعمت‌های ریزانش را بر شما نازل می کند؟»

بعد از «مِنْ» شرطیه هیچ گاه اسم نمی آید. «مَنْ» به کار رفته در این گزینه از نوع استفهامی (پرسشی) است.

عَيْنَ الْخَطِّ فِي اسْتِخْدَامِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

(١) الْقُرْآنَ يَهْدِي إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ!

(٢) سُورَةُ الْبَقَرَةِ كَبْرَى مِنْ سَائِرِ سُورِ الْقُرْآنِ!

(٣) أُخْتِي الْكَبْرَى تَحِبُّ مَشَاهِدَةَ مَبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ!

(٤) اتَّقِ النَّاسَ مِنْ قَالِ الْحَقِّ فِي مَا لَهُ وَعَلَيْهِ!

گزینه ٢ پاسخ صحیح است. برای مقایسه اسم‌های مؤنث نیز از وزن «أفعل» استفاده می‌شود. ← کبری (اکبر)

عَيْنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَعْنَى:

(١) تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة!

(٣) إنَّ أبا صديقي خير مَن رأيتَه في حياتي حقًّا!

گزینه ٣ پاسخ صحیح است. ترجمه اسم‌های تفضیل گزینه‌ها:

گزینه (١): بهتر از ...

گزینه (٢): بیش‌تر دوستانمان ...

گزینه (٣): بهترین کسی است ... (در این گزینه بعد از «خیر»، «مَن» آمده نه «مِن»!)

گزینه (٤): بهتر از ما ...

(٢) دعونا أكثر أصدقائنا إلى حفلة تكريم أبينا!

(٤) قد يكون بين الناس من هو أحسن منا!

عیّن الصحیح فی نوعیة الكلمات و المحلّ الإعراب:

- (۱) إنّ النبىّ (ص) بُعث لیتّم مکارم الأخلاق! : جمع التکسیر - اسم المكان / مفعول
- (۲) ترک الجواب على الجهّال هو الجواب! : اسم - مفرد مذکر - اسم المبالغة / مجرور بحرف الجرّ
- (۳) أثقل الأشياء فى المیزان هو الخلق الحسن! : اسم - مفرد مذکر - اسم التفضیل / مبتدأ
- (۴) «إن تنصروا الله ينصركم و یثبت أقدامکم» : فعل مضارع - له حرف زائد واحد (من باب تفعیل) - لازم / جواب الشرط، فعل و فاعله «أقدام»

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): اسم المكان ← «مکارم» به معنای «بزرگواری‌ها» اسم مکان نیست.

گزینه (۲): الجهّال (جمع «الجاهل»: نادان) اسم فاعل محسوب می‌شود.

گزینه (۴): لازم ← متعدّد («استوار می‌سازد» به مفعول احتیاج دارد)، فاعله «أقدام»، «أقدام» مفعول فعل «یثبت» است.

عیّن الصّحیح عن نوعیة الكلمات: «لا أستطیع أن أشتري تلك الفساتین بسبب أسعارها الغالیة!»

(۱) «أشتري»: فعل ماضٍ - مزید ثلاثی من باب إفتعال - للمتكلم وحده

(۲) «الفساتین»: اسم - جمع سالم للمذكر - نونه مفتوحة دائماً

(۳) «ها»: اسم - ضمیر متّصل - للغائب - مضاف الیه

(۴) «الغالیة»: اسم - مفرد - مؤنث - اسم فاعل - صفت

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): ماضٍ (مضارع)

گزینه (۲): جمع سالم للمذكر (جمع التکسیر) / نونه مفتوحة دائماً (این عبارت مختصّ جمع‌های مذكر سالم است.)

گزینه (۳): للغائب (للغائبة)

فی ائی عبارة جاء جواب الشرط:

(۱) من أوجد الشمس في الجوّ مثل الشررة!

(۲) من يسمعون كلام الأنبياء الحقّ قليلون!

(۳) ما يطلب المعلمون منا هو الاستماع إليهم بدقّة!

(۴) إن تصبر تحصل على النجاح في حياتك!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. صورت سؤال عبارتی را می‌خواهد که در آن جواب شرط به کار رفته باشد، بنابراین کافی است یک جمله شرطی پیدا کنیم. در گزینه (۴) جمله‌ای شرطی به کار رفته است و «تحصل» جواب شرط است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «من» از نوع استفهامی است و جواب شرطی وجود ندارد.

گزینه (۲): «من» از نوع موصول است و جواب شرطی وجود ندارد.

گزینه (۳): «ما» از نوع موصول است و جواب شرطی وجود ندارد.

فی ائى عبارتة جاء فعل الشرط فعلاً ماضياً:

(۱) «من لم يتب فأولئك هم الظالمون»

(۳) «من أسلم وجهه لله و هو محسن فله أجره عند ربه»

(۲) «من أظلم ممّن كتم شهادة عنده من الله»

(۴) «ما تُقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله»

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «یتب» فعل مضارع است.

گزینه (۲): «من» از نوع استفهامی است و فعل شرطی در این گزینه وجود ندارد.

گزینه (۴): «تُقدّموا» فعل مضارع است.

عَيْن «خَيْر» لا يَدُلُّ عَلَى التَّفْضِيلِ:

(۱) خَيْرُكُمْ مِنْ سَلَمِ النَّاسِ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ!

(۳) مَسَاعِدَةُ الْبُؤْسَاءِ مِنْ خَيْرِ أَعْمَالٍ يُؤَدِّيهَا أَيُّ مُؤْمِنٍ!

(۲) يَا قَوْمِ هَذَا الْعَمَلُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ!

(۴) حَتَّى عَلَى عَمَلٍ خَيْرٍ يَجْدِبُ لَكَ الرِّضَا الْإِلَهِيَّ!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): «خیرکم: بهترین شما»، «... خیر»: مضاف و اسم تفضیل / «کم»: مضاف‌الیه

گزینه (۲): «خیر لکم: برای شما بهتر است»، «خیر»: اسم تفضیل

گزینه (۳): «خیر اعمال: بهترین کارها»، «خیر»: مضاف و اسم تفضیل / «اعمال»: مضاف‌الیه

گزینه (۴): «عمل خیر: کاری خوب»: ترکیب وصفی / «خیر»: معنای تفضیل نمی‌دهد، پس اسم تفضیل نیست.

عَيْنَ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِيمَا يَدَى:

(۱) أحسن إلى الناس كما أحسن الله إليك!

(۳) ما كنت أظن أن أضرّ زملائى بسلوكى هذا!

(۲) أشبه الناس خلقاً برسول الله كفيل معيشة أسرته!

(۴) ما أجمل عمل من يقوم بمساعدة الآخرين فى مشاكلهم!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): به مردم نیکی کن همان‌گونه که خداوند به تو نیکی کرده است ... («أحسن» اول، فعل امر از باب «إفعال» و

«أحسن» دوم، فعل ماضی از باب «إفعال» است.)

گزینه (۲): شبیه‌ترین مردم از نظر اخلاق به پیامبر خداوند، ضامن (کفیل) زندگی خانواده‌اش است. («أشبه» با توجه به

معنا، اسم تفضیل است.)

گزینه (۳): گمان نمی‌کردم که با این رفتار، به هم‌کلاسی‌هایم زیان برسانم. («أظنّ» و «أضرّ» هر دو فعل مضارع (ثلاثی

مجرد) هستند.)

گزینه (۴): چه زیباست کار کسی که اقدام به کمک کردن به دیگران در مشکلاتشان می‌نماید. («ما أجمل» معنای

تعجبی دارد و نمی‌تواند اسم تفضیل باشد.)

عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: «فِي مَكْتَبَةِ مَدْرَسَتِي قَرَأْتُ مَقَالَةَ أَلْفَتٍ حَوْلَ غَيْبَةِ وَ هِيَ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ!»

- ١) «مكتبة»: اسم - مفرد (جمعُه: «مكاتب») - اسم المكان / المجرور بحرف الجرّ
- ٢) «ألفت»: فعل ماضٍ - مجهول - للغائبه - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) / الجملة فعلية
- ٣) «كبائر»: اسم - جمع مكسّر (مفردة: «كبير») / المجرور بحرف الجرّ
- ٤) «الذنوب»: اسم - مذكر - جمع تكسير (مفردة: الذنّب) / مضاف إليه

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): مكاتب (مكاتب) / گزینه (۳): كبير (كبيرة) / گزینه (۴): الذنّب (الذنّب)

عَيْنَ الْخَطَأِ عَنْ نَوْعِيَّةِ الْكَلِمَاتِ وَ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِيِّ:

(١) قَدْ سُمِّيَتْ هَذِهِ السُّورَةُ ...!: اسْمُ الْإِشَارَةِ لِلْقَرِيبِ - لِلْمَفْرَدِ الْمُؤَنَّثِ / نَائِبِ الْفَاعِلِ

(٢) جَاءَ فِي الْآيَةِ الرَّابِعَةِ مِنْهَا!: الْأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ - مُؤَنَّثٌ / صِفَةٌ

(٣) فَالسُّورَةُ تَمْنَعُ الْمُؤْمِنِينَ ...!: اسْمُ الْفَاعِلِ (مَنْ الْمَزِيدُ الثَّلَاثِي) - جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَذْكَرِ / مَفْعُولٌ

(٤) هُنَاكَ اسْمٌ أَخْرَ لَهَا ...!: اسْمُ الْفَاعِلِ - مَفْرَدٌ مَذْكَرٌ - نَكْرَةٌ / صِفَةٌ

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. «أَخْرَ» بر وزن «أَفْعَلَ»، اسم تفضیل و «أَخْرَ» بر وزن «فَاعِلِ»، اسم فاعل است.

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الْخَطَأِ:

(۱) إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلَ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ! : اگر فرومایگان به فرمانروایی برسند شایستگان هلاک می‌شوند!

(۲) بَعْضُ الطَّلَّابِ قَدْ يَضْرِبُونَ أَصْدِقَاءَهُمْ بِسُلُوكِهِمْ! : بعضی از دانش‌آموزان با رفتارشان به دوستانشان زیان می‌رسانند!

(۳) ذَلِكُ الْمَتَجَرِّ لِزَمِيلِي، لَهُ سِرَاوِيلٌ أَرْخَصٌ! : آن مغازه برای همکارم است، شلواریهای ارزان‌تری دارد!

(۴) صَارَ الْمَبْلَغُ مِثْتَيْنِ وَ عَشْرِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ! : مبلغ دویست و بیست هزار تومان شد!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «قد يضرون»: گاهی زیان می‌رسانند («قد» به همراه فعل مضارع بیاید معنای «گاهی»

می‌دهد.)

عَيْنَ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

عَيْنَ الصَّحِيحِ:

(۱) أَخِي الْأَصْغَرَ يُحِبُّ الْمُسَاعَدَةَ لِلْآخِرِينَ! : برادر کوچکم کمک کردن به دیگران را دوست دارد!

(۲) عَلِيُّ الطَّالِبِ أَنْ يُوَفِّيَ لِلْمُعَلِّمِ التَّبْجِيلَ! : دانش‌آموز باید احترام معلم را کامل به جا بیاورد!

(۳) الَّذِي لَقَّبَ الْآخِرِينَ بِالْقَابِ كَرِيهَةً شَرَّ النَّاسِ! : هر کس با لقب‌هایی ناپسند به دیگران لقب بدهد از مردمان شرور است!

(۴) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ جَبَلَ دِمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيرَانَ؟ : آیا می‌دانی که کوه دماوند بلندترین کوه ایران است؟

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): کوچک (کوچک‌تر)

گزینه (۳): هر کس (کسی که) / لقب دهد (لقب داد، دقت کنید که «الذی» جمله شرطی ایجاد نمی‌کند.) / از مردمان

شرور (بدترین مردم)

گزینه (۴): کوه (کوه‌ها)

عَيْنَ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«لا يستطيع الوصول إلى قمم النجاح إلا الذي له هدف معين و يحاول له دون أن يتعب!»:

(۱) تنها کسی به قله موفقیت می‌رسد که هدفی مشخص داشته باشد و بدون این که خسته شود تلاش کند!

(۲) نمی‌تواند به قله‌های موفقیت دست یابد جز کسی که با داشتن هدفی معین بدون خستگی برای آن تلاش نماید!

(۳) فقط کسی می‌تواند به قله‌های موفقیت برسد که هدفی معین دارد و بدون این که خسته شود برای آن کوشش می‌کند!

(۴) هیچ کس نمی‌تواند به او قله‌های موفقیت برسد مگر آن که هدفش مشخص باشد و بدون این که احساس خستگی کند، کوشش نماید!

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «لايستطيع ... إلا»: نمی‌تواند ... مگر، فقط می‌تواند / «الوصول»: برسد

(گاهی مصدر به صورت فعل ترجمه می‌شود.) / «قِمَم»: قله‌ها / «له» (اول): دارد، «له» (دوم): برای آن / «دون أن

يتعب»: بدون این که خسته شود

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «لايستطيع» ترجمه نشده است. / قله (قَلَه)، «قِمَم» جمع است. / «له» (دوم) ترجمه نشده است.

گزینه (۲): دست یابد (برسد) / داشتن هدفی معین (هدفی معین دارد.) / «و» ترجمه نشده است. / «له» (دوم) ترجمه

نشده است. / بدون خستگی (بدون این که خسته شود.)

گزینه (۴): هیچ کس (اضافی است.) / اوج (اضافی است.) / هدفش (هدفی) / «له» (دوم) ترجمه نشده است. /

احساس خستگی کند (مانند گزینه ۲)

عَيْنَ الْأَصْحٰحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ .

«إِذَا قُمْتَ بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَنْ أَسَاءَ كَ شَعَرْتَ بِسَكِينَةِ إِلَهِيَّةٍ فِي قَلْبِكَ!»:

(۱) چنانچه به کسی که به تو بدی می کند نیکی کنی، در قلبت احساس آرامشی از سوی خداوند خواهی کرد!

(۲) هنگامی که به نیکی کردن به کسی که به تو بدی کرده است اقدام کنی، احساس خواهی کرد که آرامشی الهی در قلبت وجود دارد!

(۳) اگر به هر کس که به تو بدی کرده است نیکی کردی، آرامش را از سوی خداوند در قلبت حس می کنی!

(۴) هرگاه به نیکی کردن به آن که به تو بدی کرده است پردازي، آرامشی الهی را در قلبت احساس می کنی!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «إِذَا»: اگر، هرگاه، چنانچه / «قُمتَ بِالْإِحْسَانِ»: اقدام به نیکی کردن

کنی / «أَسَاءَ»: بدی کرده است / «سَكِينَةُ إِلَهِيَّةٍ»: آرامشی الهی

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه (۱): بدی می کند (بدی کرده است، «أَسَاءَ» فعل ماضی است.) / نیکی کنی (اقدام به نیکی کردن کنی) / آرامشی

از سوی خداوند (آرامشی الهی)

گزینه (۲): هنگامی که (اگر، هرگاه) / وجود دارد (اضافی است.)

گزینه (۳): هر کس (کسی که، آن که) / نیکی کردی (اقدام به نیکی کردن کنی، فعل های شرط و جواب شرط به صورت

مضارع ترجمه می شوند.) / آرامش را از سوی خداوند (مانند گزینه ۱)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.
«كانت المديرة كتبت على السَّبَّورة أن لانسأل معلماتنا تعنتاً أبداً!»:

(۱) مدیر روی تخته نوشته بود که هرگز برای مچ‌گیری از معلمانتان سؤال نکنید!

(۲) خانم مدیر روی تخته سیاه نوشته بود که برای مچ‌گیری از معلمان سؤال نکنیم!

(۳) خانم مدیر روی تخته سیاه نوشته است که هرگز از روی عمد از معلمان سؤال نکنیم!

(۴) مدیر روی تخته سیاه نوشته بود که هرگز برای مچ‌گیری از معلمانمان سؤال نکنیم!

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. ترجمهٔ کلمات مهم: «كانت ... قد كتبت»: نوشته بود / «السَّبَّورة»: تخته سیاه / «أن لانسأل»:

که سؤال نکنیم / «تعنت»: مچ‌گیری

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): معلمانتان (معلمانمان) / سؤال نکنید (سؤال نکنیم)

گزینه (۲): «أبداً» (هرگز) ترجمه نشده است. / معلمان (ضمیر «نا» ترجمه نشده است.)

گزینه (۳): نوشته است (نوشته بود) / از روی عمد (برای مچ‌گیری) / معلمان (معلمانمان)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ .
«إِنْ تَقْرَأْ إِنْشَاءً كَأَمَامِ الطَّلَابِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهَ زَمَلَاؤُكَ الْمَشَاغِبُونَ!»:

۱) اگر انشاییت را مقابل دانش‌آموزان بخوانی، هم کلاسی‌های اخلالگرت آگاه خواهند شد!

۲) اگر انشاییت در مقابل دانش‌آموزان خوانده شود، هم کلاسی‌های اخلالگرت آگاه می‌شوند!

۳) چنان‌چه انشاییت را جلوی دانش‌آموزان بخوانی، هم کلاسی‌های شلوغ‌کننده‌ات تنبیه خواهند شد!

۴) چنان‌چه انشاییت را در مقابل سایر دانش‌آموزان بخوانی، هم کلاسی‌هایت که اخلالگر هستند تنبیه خواهند شد!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «إِنْ تَقْرَأْ»: اگر بخوانی / «زَمَلَاؤُكَ الْمَشَاغِبُونَ»: هم کلاسی‌های اخلالگرت

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): خوانده شود (بخوانی) / آگاه می‌شوند (آگاه خواهند شد)

گزینه (۳): تنبیه خواهند شد (آگاه خواهند شد)

گزینه (۴): سایر دانش‌آموزان (دانش‌آموزان، معادل «سایر» در جمله عربی وجود ندارد.) / هم کلاسی‌هایت که اخلالگر

هستند (هم کلاسی‌های اخلالگرت) / تنبیه خواهند شد (آگاه خواهند شد)

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«و ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله»:

(۱) هرچه از خوبی برای خودتان از پیش بفرستید آن را نزد الله می‌یابید!

(۲) اگر چیزی از خوبی را برای خودتان از پیش بفرستید، اجر آن نزد خداوند موجود است!

(۳) هر آنچه از نیکی که خودتان انجام دهید آن را نزد خداوند خواهید یافت!

(۴) آنچه را خودتان از کار خیر انجام دهید بدون شک نزد الله موجود است!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ترجمه کلمات مهم: «ما»: هرچه، آنچه / «تقدّموا»: از پیش بفرستید / «لأنفسكم»: برای

خودتان / «تجدوه»: آن را می‌یابید

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): اگر چیزی (هرچه) / اجر آن (اضافی است.) / موجود است (می‌یابید)

گزینه (۳): هر (اضافی است.) / خودتان (برای خودتان) / انجام دهید (از پیش بفرستید)

گزینه (۴): خودتان (مانند گزینه ۳) / کار خیر («کار» اضافی است.) / انجام دهید (مانند گزینه ۳) / بدون شک

(اضافی است.) / موجود است (آن را می‌یابید)

تذکر: «ما» شرطی گاهی به صورت «آنچه» هم ترجمه می‌شود.

ای عبارتہ جاء فيها «لا» من نوعین اثنین:

(۱) «ربنا لاتحملنا ما لا طاقة لنا به»

(۳) لا يدخل الجنة الذي لا يسلم الناس من لسانه!

(۴) لا یرحم الله من لا یرحم الناس!

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «لا»ی اول از نوع نهی و «لا»ی دوم از نوع نفی جنس است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): هر دو «لا» از نوع نفی جنس هستند.

گزینه (۳): هر دو «لا» از نوع نفی هستند.

گزینه (۴): مانند گزینه (۳)

عَيْنِ الْخَطَا فِي وَصْفِ عَمَلِ الْحَرْفِ الْمَطْلُوبِ:

(١) «فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَ لِكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»: يرفع الإبهام عن الجملة قبله.

(٢) «إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ»: يؤكد على الجملة.

(٣) «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ»: يربط الجملتين.

(٤) «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»: يُسْتَعْمَلُ لِبَيَانِ التَّمَنِّيِّ.

گزینه ٢ پاسخ صحیح است. «ان» برای تأکید بر جمله به کار نمی‌رود زیرا به معنای «اگر» بوده و از ادات شرط است.

«انْ» برای تأکید به کار می‌رود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (١): «لکن»: از جمله قبل از خودش رفع ابهام می‌کند.

گزینه (٣): «انْ»: دو جمله را به هم ربط می‌دهد.

گزینه (٤): «لیت»: برای بیان آرزو به کار می‌رود.

«العاقل من يغتنم الفرص الذهبية للوصول إلى ما يريد!» كم جملة في العبارة؟

(١) واحدة

(٢) اثنتان

(٣) أربع

(٤) ثلاث

گزینه ٤ پاسخ صحیح است. در عربی هر فعل یک جمله حساب می‌شود، پس «یغتنم» و «یرید» هر کدام یک جمله‌اند. ضمن این که خود عبارت در کل یک جمله اسمیه است که «العاقل» ابتدای آن و «من» خبرش است، پس در عبارت سه جمله داریم.

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّوْضِيحَاتِ:

(۱) أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيِّئِينَ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. ← يَوجَدُ فِيهَا فاعِلانِ اثْنانِ.

(۲) هَلْ تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَشْحَنِي رَصِيدَ جَوْءٍ إِلَى عِبْرِ الْإِنْتَرْنِتِ يَا أُخْتِي؟ ← يُسْتَعْمَلُ فِيهَا «ن» بِسَبَبِ اتِّصَالِ ضَمِيرِ «ي» بِالْفِعْلِ

(۳) اثْنانِ خَيْرٍ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَ أَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ! ← يَوجَدُ فِيهَا جَارٌ وَ مَجْرُورٌ بِمَعْنَى الْفِعْلِ.

(۴) يُكْرَمُ الْمَجْدُونَ فِي صَفْنَا لِأَنَّهُمْ يَنْجَحُونَ فِي الْعِبَارَةِ. ← الْفَاعِلُ لِلْفِعْلِ الْأَوَّلِ، اسْمُ الْفَاعِلِ مِنْ فِعْلِ مَزِيدٍ

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «علیکم ب...»: جار و مجروری است که معنای فعل گرفته است به معنای «بر شما واجب است = شما باید»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): یک فعل معلوم دارد («أطلبوا»)، بنابراین یک فاعل وجود دارد.

گزینه (۲): «ن» در «تشحنی» جزو حروف اصلی کلمه است و نون وقایه نیست که به سبب اتصال ضمیر «ی» به فعل به کار رفته باشد.

گزینه (۴): در این جمله «يُكْرَمُ» مجهول است و فاعل ندارد.

عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

«كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تَدْرُكُ!» عَيْنَ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

(۱) لَا تَجْعَلْ غَايَتَكَ إِلَّا الْحَصُولَ عَلَيَّ رَضَى اللَّهُ! (۲) لَا يُمْكِنُ الْحَصُولُ عَلَيَّ رَضَى كُلِّ الْأَفْرَادِ!

(۳) طَلِبَ رَضَى النَّاسِ خَسِرَانَ فَلَا تَطْلُبْهُ أَبَدًا! (۴) لَا تَطْلُبْ فِي حَيَاتِكَ إِدْرَاكَ رَضَى أَحَدٍ!

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه جمله صورت سؤال: گویی راضی کردن همه مردم هدفی است که به دست نمی آید.

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): هدفت را فقط رسیدن به رضایت خداوند قرار بده.

گزینه (۲): به دست آوردن رضایت همه افراد ممکن نیست.

گزینه (۳): خواستن رضایت مردم مایه ضرر است، پس هرگز آن را نخواه.

گزینه (۴): در زندگی‌ات به دست آوردن رضایت کسی را نخواه.